



Child Rights Journal

2023; 5(17): 1-13

Journal Homepage: <http://childrightsjournal.ir>



International Think Tank of
Human Dignity



The Iranian Association of
Medical Law



The Iranian Association of
Child Rights

The Freedom of Abortion and Reproduction from the Perspective of Simone de Beauvoir

Fatemeh Abdi¹

1. Department of Women's Studies, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Simone de Beauvoir believes that due to the problems and sufferings that women suffer due to pregnancy, childbirth and motherhood, it is necessary to enjoy special and special rights in this matter, including the right to freedom of reproduction and Abortion is. The purpose of this research is to review and criticize de Beauvoir's opinions on the issue of freedom of abortion and reproduction. This issue is important because it is related to the most vulnerable layer, the fetus, and also has a direct impact on the preservation of the future generation.

Method: This research was written using documents and library resources and descriptive and analytical method.

Results: The findings indicate that de Beauvoir considers the woman's right to choose and decide on pregnancy or abortion and also considers this issue as a way to free women from gender oppression.

Conclusion: De Beauvoir considers abortion as one of the examples of freedom of reproduction and a step towards liberating women from patriarchy, but as stated in the review and analysis, women cannot ignore the responsibilities and consequences of their actions regarding the fetus, which has inherent human dignity. The right to abortion under the pretext of a woman's freedom requires the negation of her duties and responsibilities as a mother.

Keywords: Abortion; Freedom of Reproduction; Simone de Beauvoir' Women's Fertility; Human Dignity

Corresponding Author: Fatemeh Abdi; **Email:** fatemeabdi189@gmail.com

Received: November 15, 2022; **Accepted:** December 24, 2022

Please cite this article as:

Abdi F. The Freedom of Abortion and Reproduction from the Perspective of Simone de Beauvoir. *Child Rights Journal*. 2023; 5(17): 1-13.



انجمن علمی کرامت انسانی



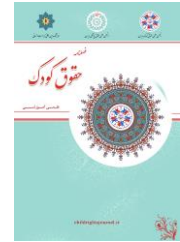
انجمن علمی حقوق پزشکی ایران



انجمن علمی حقوق کودک ایران

فصلنامه حقوق کودک

دوره پنجم، شماره هفدهم، بهار ۱۴۰۲، صفحات ۱۳-۱

Journal Homepage: <http://childrightsjournal.ir>

آزادی جواز سقط جنین و تولید مثل از دیدگاه سیمون دوبوار

فاطمه عبدی^۱

۱. گروه مطالعات زنان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: سیمون دوبوار معتقد است زنان به دلیل مشکلات و رنج‌هایی که به سبب بارداری، زایمان و مادری متحمل می‌شوند، لازم است تا از حقوق ویژه و خاصی در این مسأله برخوردار شوند، از جمله آن‌ها حق آزادی تولید مثل و سقط جنین می‌باشد. هدف از این پژوهش بررسی و نقد و تحلیل نظرات دوبوار در مسأله آزادی جواز سقط جنین و تولید مثل می‌باشد. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که با آسیب‌پذیرترین قشر، یعنی جنین در ارتباط است و همچنین تأثیر مستقیم بر حفظ نسل آینده دارد.

روش: این پژوهش که با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی نگارش یافته است.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از آن است که دوبوار حق انتخاب و تصمیم‌گیری در مورد حمل یا سقط جنین را از آن زن می‌داند. همچنین ایشان این مسأله را راهی برای رهایی زنان از ستم جنسیتی می‌داند.

نتیجه‌گیری: دوبوار سقط جنین را یکی از مصادیق آزادی تولید مثل و گامی در جهت رهایی زنان از سلطه نظام مردسالارانه می‌داند، اما همانطور که در نقد و تحلیل نیز بیان شد، زنان نمی‌توانند مسئولیت‌ها و پیامدهای اعمالشان در مورد جنین را که دارای کرامت ذاتی انسانی است، نادیده بگیرند. حق سقط جنین به بهانه آزادی زن، مستلزم نفی وظایف و مسئولیت‌های او به عنوان یک مادر است.

واژگان کلیدی: سقط جنین؛ آزادی تولید مثل؛ سیمون دوبوار؛ باروری زنان؛ کرامت انسانی

نویسنده مسئول: فاطمه عبدی؛ پست الکترونیک: fatemeabdi189@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Abdi F. The Freedom of Abortion and Reproduction from the Perspective of Simone de Beauvoir. Child Rights Journal. 2023; 5(17): 1-13.

مقدمه

گرایش‌های متعدد فمینیسم بر این مسأله اتفاق نظر دارند که ظلم به زنان و عدم آزادی آنان نمودهای مختلفی در جامعه داشته است و مردان در طول قرن‌ها زنان را تحت سلطه خود گرفته و در امور مخصوص به آنان دخالت کرده‌اند. آنان تحلیل‌های متنوعی از علل یا عوامل سرکوب زنان ارائه می‌دهند.

فمینیست‌های موج اول بیشتر از تساوی و برابری حقوق زنان با مردان دفاع می‌کردند و خواستار حق رأی، تحصیل و اشتغال بودند. بیشتر گرایش‌های فمینیسم موج اول خواستار اصلاحاتی در زمینه نقش‌های زن و مرد در خانواده، حق طلاق و تولید مثل بودند (۱)، اما فمینیست‌های موج دوم به دنبال ترویج افکار تندرو و حرکات انقلابی بوده و با شعار آزادی حداکثری برای زنان، آزادی روابط جنسی، آزادی تولید مثلی و آزادی زنان در تصمیم‌گیری برای سقط جنین را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده بودند. یکی از گرایش‌های فمینیسم موج دوم، رادیکال فمینیست (Radical Feminism) ها هستند که بیشتر از سایر گرایش‌های موج دوم، خواستار آزادی زنان در امور مربوط به خودشان بودند. فمینیست‌های رادیکالی، آزادی و در مقابل سرکوب زنان را واژه‌های کلیدی فعالیت‌های خود می‌دیدند، زیرا معتقد بودند مردان در طول تاریخ، به شدت زنان را تحت ستم قرار داده‌اند (۲).

فمینیست‌هایی نظیر سیمون دوبوار (Simone De Beauvoir) معتقدند زنان به دلیل مشکلات و رنج‌هایی که به سبب بارداری، زایمان و مادری متحمل خواهند شد، لازم است تا از حقوق ویژه و خاصی در این مسأله برخوردار شوند، از جمله آن‌ها حق سقط جنین می‌باشد و مردان حق دخالت در این امور را ندارند. همچنین از دیدگاه آنان آزادی در امور تولید مثل، یکی از مصادیق

آزادی زنان از ستمی است که به دلیل جنسیتشان بر آن‌ها وارد شده که نماد آن آزادی سقط جنین است.

سیمون دوبوار متولد ۹ ژانویه ۱۹۰۸ در پاریس در خانواده‌ای کاتولیک (Catholic) به دنیا آمد. او یکی از سردمداران فمینیسم اگزیستانسیالیست (Existentialist) است که مقدمه‌ای بر فمینیسم رادیکال می‌باشد. فمینیسم رادیکال یکی از مهم‌ترین گرایش‌های فمینیسم موج دوم است که اندیشه‌های آن بیشترین تأثیر را بر نظام فکری زنان در اواخر دهه ۶۰ گذاشته است. در این دوره فعالان فمینیست برای به دست آوردن حقوق مربوط به فرزندآوری، سقط جنین و راه‌های کنترل بارداری تلاش کردند (۳). دوبوار و همفکرانش معتقد بودند مردان به دنبال تملک زنان هستند و از طریق ایدئولوژیک، جنسیتی، فیزیکی و... برای تصاحب زنان تلاش می‌کنند. از دیدگاه آن‌ها زنان باید همواره برای رهایی از سلطه نظام مردسالارانه تلاش کنند. به نظر ایشان به دلیل ستم وارد شده بر زنان، آزادی زنان و هر آنچه در راستای آزادی آنان باشد، هدف مشترک فمینیستی است (۲). دوبوار و همفکرانش، آزادی سقط جنین را قدمی در راه آزادی زنان دانسته‌اند و تلاش بسیار کرده‌اند تا برای اثبات جواز آن تغییراتی در ایدئولوژی‌ها، باورها و فرهنگ‌های مختلف ایجاد کنند.

در این پژوهش به بررسی و نقد نظرات دوبوار درباره حق آزادی زنان در مسأله تولید مثل و سقط جنین پرداخته، همچنین بررسی می‌شود که او در این باب چه نظرانی داشته و چه نقدهایی بر نظرات ایشان وارد است؟

به همین جهت پس از بررسی برخی مفاهیم مرتبط با پژوهش، ابتدا به بیان تاریخچه‌ای کوتاه در مورد دفاع از جواز سقط جنین پرداخته، سپس با بیان دلایل مخالفت دوبوار در مورد ممنوعیت قانونی سقط جنین، تأثیر نقش مادری و تولید مثل در فرودستی زنان، بارداری و ستم

در این پژوهش منظور از سقط جنین، سقط القاشده یا اختیاری می‌باشد.

۱-۲. آزادی تولید مثل: از دیدگاه فمینیسم، حق تولید مثل شامل حقوق مادرشدن، پیشگیری و سقط جنین است. حقوق تولید مثل غالباً مقوله‌ای است که در سنت‌های سیاسی مردانه حذف می‌شود که نظریه فمینیستی در دفاع از آزادی تولید مثل آن را از طریق مقایسه مشروعیت عمومی با تجربه خصوصی برمی‌اندازد (۶). حق تولید مثل نوعی آزادی در غرب است که بر اساس خواست والدین، درباره زمان و چگونگی فرزندآوری تصمیم گرفته می‌شود، زیرا والدین شرایط خود را بهتر می‌دانند و در نهایت این والدین هستند که باید با کودکان خود زندگی کنند. از این دیدگاه، حق تولید مثل نباید قربانی نارسایی‌های اجتماعی شود و اجبار والدین به تربیت و بزرگ کردن فرزندان توسط دولت، نوعی دیکتاتوری است (۷). نخستین بار فیلسوف آمریکایی و نظریه‌پرداز حقوقی، رولند دورکین (Dworkin)، بحث حق تولید مثل را مطرح کرد. او این حق را چنین تعریف می‌کند: «حقی است برای کنترل نقش خود در تولید مثل، مگر اینکه دولت دلیل مناسبی برای مانع شدن از اعمال یا کنترل این حق ارائه کند» (۸).

۱-۳. کرامت انسانی: فلاسفه و اندیشمندان سعی کرده‌اند کرامت انسانی را تعریف و معنای اصطلاحی آن را روشن سازند. علامه محمدتقی جعفری ضمن تقسیم کرامت انسانی به کرامت ذاتی و اکتسابی می‌گوید: «در اسلام دو نوع کرامت برای انسان‌ها ثابت شده است که عبارت است از: ۱- کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشان و دیگران آن را از خود سلب نکنند از این صفت شریف برخوردارند؛ ۲- کرامت ارزشی که از به کارانداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود

جنسیتی به زنان، آزادی تولید مثل و حقوق باروری و حق دسترسی و تسلط زنان بر فناوری‌های تولید مثل را از دیدگاه دوبوار بررسی کرده و با بیان استدلال وی، به نقد و تحلیل در این باره پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی: در این مبحث به بررسی مفاهیم سقط جنین و انواع آن، آزادی تولید مثل و کرامت انسانی پرداخته می‌شود.

۱-۱. سقط جنین: به خاتمه بارداری (به هر علتی) قبل از اینکه جنین قدرت زندگی در خارج از رحم مادر را یافته باشد، اطلاق می‌گردد. معمولاً این زمان را قبل از هفته بیستم بارداری و وزن جنین را زیر ۵۰۰ گرم ذکر می‌کنند. سقط جنین انواع مختلفی دارد:

۱-۱-۱. سقط خود به خودی: ختم بارداری بدون هرگونه تدبیر و اقدامی برای خاتمه آن است.

۱-۱-۲. سقط القاشده (Induced Abortion) یا سقط اختیاری: به ختم بارداری که مداخله‌ای به همین منظور برای آن انجام شده باشد، اطلاق می‌شود. سقط القاشده می‌تواند در شرایط سالم طبی و بر اساس سیاست‌های بهداشتی و موازین قانون انجام شود و یا می‌تواند در خارج از سیستم طبی و قانونی انجام پذیرد. به عبارتی سقط القایی می‌تواند سالم (Safe) و یا ناسالم (Unsafe) باشد. سقط جنین می‌تواند از نظر فیزیکی، روانی و عاطفی صدمه‌زننده باشد (۴).

۱-۱-۳. سقط فراموش‌شده: حالتی است که محتویات فاقد حیات بارداری برای روزها و حتی هفته‌ها در داخل رحم باقی بماند (۴).

۱-۱-۴. سقط درمانی: به ختم بارداری قبل از اینکه جنین توانایی ادامه حیات در خارج از بدن مادر را داشته باشد، به منظور محافظت از سلامت مادر یا به دلیل بیماری یا نقایص جنین اطلاق می‌گردد (۵).

استعدادها و توانایی ذاتی خود در مسیر رشد و کمال و کسب فضایل اخلاقی آن را به دست می‌آورد (۱۱).

۲. **تاریخچه دفاع از جواز سقط جنین:** اولین گروه‌هایی گروه‌های زنان در دفاع از جواز سقط جنین حول محور حقوق باروری بود. در سال ۱۹۷۰ زنان کانادایی کارناوال (Carnival) نمادین سقط جنین به راه انداختند و تابوتی به مثابه نماد زنانی که در اثر سقط‌های غیر ایمن مرده بودند را حمل کرده و اعلامیه‌هایی مبنی بر تقاضای لغو قوانین ضد سقط جنین پخش کردند و خواستار آزادی سقط جنین شدند. آن‌ها از ونکوور (Vancouver) تا اوتاوا (Ottawa) راهپیمایی کرده و هنگامی که به سالن مجلس عوام رسیدند، خود را به صندلی‌های آنجا بسته و موجب تعطیلی مجلس شدند. در همان سال فمینیست‌های هلندی با تظاهرات در مقابل یک کنفرانس مربوط به بیماری‌های زنان، بلوزهای خود را بالا بردند تا عبارت «بانوی بدن خود، حاکم شکم خود» را که بر روی شکم‌هایشان نوشته بودند را نشان دهند. در سال ۱۹۷۴ ائتلافی از زنان هلندی به نام «خواسته‌های ما زنان» تشکیل شد و گروه‌های مشابهی از زنان نروژی به اقدام مشابهی دست زدند. در سال ۱۹۷۵ در انگلیس کمپین ملی سقط جنین تشکیل شد که بزرگ‌ترین سازماندهی فعالیت‌های زنان محسوب می‌شد. سقط جنین یکی از مسائل مهم در جنبش زنان فرانسه و آلمان نیز بود. ۳۴۳ نفر در فرانسه و ۳۷۴ نفر در آلمان بیانیه‌ای را امضا کرده و در مطبوعات منتشر کردند مبنی بر این که همگی سقط جنین کرده‌اند. متن این بیانیه توسط دوبوار نوشته شده بود و زنان سرشناسی از جمله خود او، کریستین دلفی (Christine Delphi)، مارگریت دوراس (Margaret Duras)، ویولت لودوک (Violet Ludock) و... آن را امضا کردند.

آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است و ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است» (۹). از دقت و تأمل در نظر فوق معلوم می‌گردد که کرامت ذاتی انسان، همان حیثیت و حرمتی است که تمام انسان‌ها به طوری طبیعی از آن برخوردار هستند. اشکال اساسی این تعریف آن است که به یک تناقض شدید و آشکار دچار است، چراکه ایشان در عین حال که معتقد به کرامت ذاتی انسان بوده، آن را با حیثیت طبیعی انسان مرتبط می‌داند، می‌گوید این کرامت تا وقتی است که انسان با اختیار خود علیه خود و دیگران مرتکب جرم و جنایت نشود. تعریف دیگر از کرامت انسانی مربوط به امانوئل کانت (Immanuel Kant)، فیلسوف معروف آلمانی است. کانت با طرح نظریه «خود مختاری اخلاقی (Moral Autonomy)» و استقلال ذاتی انسان می‌گوید: «کرامت انسانی، آن نوع حرمت و ارزشی است که تمام انسان‌ها به جهت استقلال ذاتی و توانایی اخلاقی که دارند، به طور ذاتی و یکسان از آن برخوردارند» (۱۰). این کرامت از نظر کانت به طور اجتناب‌ناپذیر با «عقلانیت خود آگاه انسان (Self-Conscious Rationality)» ارتباط دارد، البته این تعریف از کرامت انسانی نیز به دلیل مرتبط‌دانستن آن با عقلانیت خود آگاه انسان از جامعیت لازم برخوردار نیست.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان کرامت ذاتی و اکتسابی را به شرح زیر تعریف کرد: کرامت ذاتی به آن نوع شرافت و حیثیتی گفته می‌شود که تمام انسان‌ها به جهت استقلال ذاتی توانایی اخلاقی و وجهه و نفعه الهی که دارند، به طور فطری و یکسان از آن برخوردار هستند و کرامت اکتسابی آن نوع شرافت و حیثیتی است که انسان به صورت ارادی و از طریق به کارانداختن

می‌نماید. در واقع جرم‌دانستن سقط جنین، افراد شایسته و پزشکان متخصص را از این حوزه خالی و عرصه را برای افراد سودجو و بزه‌کار فراهم نموده و زنان را در موقعیتی خطرناک قرار می‌دهد (۱۳).

۲- مادرشدن به اجبار منجر به آن می‌شود که کودکان بیچاره‌ای که والدینشان ناتوان از رساندن غذا به آن‌ها هستند، قربانیان سازمان خیریه خواهند شد یا به کودکان زجرکش خواهند پیوست، به دنیا بیایند (۱۳).

۳- جامعه‌ای که با چنین حرصی از حقوق جنین دفاع می‌کند و سقط آن را جرم‌انگاری می‌نماید، به محض تولد کودکان به آن‌ها بی‌توجه می‌گردد و به جای اصلاح سازمان‌های خیریه که جلادان کودکان می‌باشند، به تعقیب زنانی می‌پردازد که مبادرت به سقط جنین می‌کنند که این خود نقض غرض است (۱۳).

۴- مادرشدن‌های دشوار احساس مادری را کشته و از بین می‌برد و این مسأله به سود اخلاق نبوده و باعث نابودی آن می‌شود. به عنوان مثال در آفریقای شمالی که امکان سقط جنین نیست، از ۱۰ فرزندی که هر زن به دنیا می‌آورد، ۷ یا ۸ تن جان می‌سپارند (۱۳).

۵- مخالفان و طرفداران سقط جنین بر این مسأله توافق دارند که سیاست فشار و سرکوب در این مسأله با شکست مواجه شده و سالانه بر شماره سقط جنین افزوده می‌شود، به گونه‌ای که یکی از محققان این موضوع در مقاله‌ای نوشته است: «سقط جنین جزء رسوم شده است» (۱۳).

۶- جرم‌دانستن سقط جنین جامعه زنان را در شرایط فاجعه‌انگیز قرار داده است، زیرا که بسیاری از سقط جنین‌ها یا به مرگ سقط‌کننده منجر می‌گردد یا باعث بروز بیماری‌های قطعی می‌شود (۱۳).

۷- غیر قانونی‌دانستن سقط جنین آن را تبدیل به جنایتی طبقاتی کرده است، به گونه‌ای که این عمل برای طبقه

فمینیست‌های آلمان غربی اولین بار در روز جهانی زن در سال ۱۹۷۰ برای آزادی سقط جنین تظاهرات کردند، سپس در سال ۱۹۷۱ و به دنبال آن در سال ۱۹۷۲ ده‌ها هزار نفر از زنان علیه دولت آلمان تظاهرات کرده و خواستار اصلاح قوانین و آزادی سقط جنین شدند، اما چشم‌گیرترین کمپین را فمینیست‌های ایتالیایی راه انداختند که توانستند نهصد هزار امضا جمع‌آوری کنند. در سال ۱۹۷۴ این حرکت تبدیل به یک جنبش ملی شد. اتحادیه زنان ایتالیا (Italian Women's Union) در مخالفتی علنی با حزب کمونیست (Communist Party) که قصد داشت سیاستمداران و رأی‌دهندگان محافظه کار را به خود جلب کند، از مبارزه با سقط جنین حمایت کرد. در دهه ۱۹۶۰ رشد فزاینده تعداد زنان متأهل طبقه متوسط در عرصه اشتغال، یکی از مسائل اجتماعی مهم تلقی می‌شد. در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ ورود بیشتر زنان جوان به عرصه‌های عمومی در اجتماع باعث پیدایش جنبش‌های آزادی بخش زنان شد. گروه‌های مختلفی از زنان، هرچند با یکدیگر بر سر مسائل مختلف اختلاف نظر داشتند، اما تقریباً توانستند بر سر حقوق باروری به توافق برسند. به نظر می‌رسد آزادی در پایان دادن به بارداری عملاً به مهم‌ترین خواست فمینیست‌ها در دهه‌های هشتاد و نود تبدیل شده بود. آنان معتقد بودند کنترل قدرت باروری زنان، مهم‌ترین راه کار کنترل پدرسالاری است (۱۲).

۳. دلایل مهم مخالفت سیمون دوبوار با ممنوعیت

قانونی سقط جنین: ۱- دوبوار قانونی‌بودن سقط جنین را بستری می‌داند تا افراد فاقد صلاحیت‌های پزشکی وارد این عرصه شده و زنان باردار را در محیط‌های غیر پزشکی و خارج از کلینیک‌ها و بیمارستان‌ها که دارای تجهیزات مناسب برای انجام چنین عملی می‌باشند، برده و آنان را با خطرات مرگبار و بیماری‌های بعد از سقط جنین مواجه

۴-۱. تأثیر نقش مادری و تولید مثل در فرودستی زنان: فمینیست‌های رادیکال نگرشی آزادی‌خواهانه نسبت به جنسیت و تکثیر نسل داشته‌اند. آنان از زنان می‌خواستند تا کودکانشان را به راحتی سقط کنند و از تبعات یک بارداری ناخواسته رها شوند (۱۴). برخی از فمینیست‌های رادیکال مقدس جلوه‌دادن مادری را به منزله توطئه‌ای می‌دیدند که برای فریب‌دادن زنان و برای بازگشت به نقش‌های فرودستانه و پست در خانواده طراحی شده است (۱۵). از دیدگاه دوبوار، این ایده که زنان با مادری احساس خوشبختی می‌کنند، ساخته نظام مردسالار است تا فعالیت‌های عمومی و ارزشمند را از زنان دریغ کنند. به اعتقاد وی فرودستی زنان ناشی از قابلیت تولید مثلی زنان و تقسیم کار جنسیتی در خانواده است. وی معتقد بود زن می‌تواند با محدود کردن تعداد بارداری‌ها، کاملاً عاقلانه و آزادانه آن‌ها را جزئی از زندگی خود کند نه اینکه خود برده آن‌ها باشد. او به طور کلی نقش مادری را منشأ ستم و فرودستی زنان می‌داند و به همین دلیل از جواز سقط جنین و حق کنترل باروری به منظور احیای حقوق آزادی بخشی زنان دفاع می‌کند (۱۳). وی معتقد است ساختارهای فرهنگی موجود، از جمله مادرانگی باعث می‌شود که زنان به استقلال اقتصادی نرسند و در نتیجه نسبت به مردان فرو دست بمانند (۱۵).

۴-۲. بارداری و ستم جنسیتی به زنان: بیشتر فمینیست‌های رادیکال، علت اصلی تابعیت زنان در خانواده را بیش از هر چیز در طبیعت زیستی آن‌ها برای تولید مثل می‌دانند. دوبوار هرگونه اعمال قدرت و کنترل از سوی مردان یا دولت را بر امور باروری زنان نفی می‌کند و معتقد است که علت اصلی ستم به زنان، «حاکمیت قدرت مردان» در امور مخصوص به زنان است. بارداری ممکن است باعث بیماری زنان شود و محرومیت

بورژوا که دارای ثروت هستند، در شرایطی بهداشتی و با امکاناتی عالی صورت می‌پذیرد و برای اکثریت دیگر زنان در بدترین شرایط و پرخطرترین موقعیت‌ها اتفاق می‌افتد. بنابراین جرم‌دانستن سقط جنین فقط شرایط بدتری را برای اکثریت زنان جامعه که از موقعیت مالی مناسبی برخوردار نیستند، ایجاد خواهد کرد (۱۳).

۸- جرم‌دانستن سقط جنین از آنجایی که زن را با موضوع مادری نامشروع مواجه می‌سازد که در جامعه مورد نکوهش است، زنان را در موقعیت‌های خطرناک قرار می‌دهد، همانند آنکه عده‌ای به طور مثال نفت و صابون می‌خورند، زنان روستایی که از نردبام خود را به پایین می‌اندازند، عده‌ای به سمت مصرف مواد مخدر گرایش پیدا می‌کنند و انواع راه‌های پرخطری که برای سقط جنین توسط زنان انجام می‌گردد که صرف نظر بیماری‌های شدیدی که به بار می‌آورند، آشفستگی‌های عصبی است که برای آن‌ها به بار می‌آید که تا مرز بحران‌های صرعی نیز پیش می‌رود (۱۳).

۹- قانون ممنوعیت سقط جنین قانونی مردانه است. مردها بودند که در سراسر جهان سقط جنین را ممنوع اعلام کردند، اما همین مردان به طور انفرادی آن را به عنوان راه حلی راحت می‌پذیرند و از زن‌هایی که با آن‌ها همبستر می‌شوند، تقاضای سقط جنین می‌کنند که این از مظاهر ضد و نقیض‌گویی و بی‌عدالتی در حق زنان است (۱۳).

۴. شاخص‌ترین آسیب‌های بارداری و تولید مثل بر زنان: از شاخص‌ترین آسیب‌های بارداری و تولید مثل بر زنان در دیدگاه سیمون دوبوار و همفکرانش، می‌توان به تأثیر نقش مادری و تولید مثل در فرودستی زنان و همچنین رابطه بارداری و ستم جنسیتی به زنان اشاره کرد که ذیل این مبحث به آن‌ها پرداخته شده است.

می‌کند و نمی‌توان توقع داشت که زنان، سال‌های تولید مثل خود را که اوج جوانی و نشاط آنان است، با این داروها سپری کنند. سایر روش‌های جلوگیری مانند گذاشتن دستگاه دیافراگم یا ژل اسپرم‌کش و... نیز نامناسب، آزاردهنده و گران هستند و بنا بر ادعای وی تنها روش مؤثر همان سقط جنین است. دوبوار حقوق باروری و تولید مثلی را ویژه زنان می‌داد (به دلیل جنیستشان) و معتقد است این حقوق باید جدی گرفته شود، چون جنسیت زنان و خاصیت باروری آنان موجب پدیدآمدن مشکلات جسمی، روحی یا اقتصادی فراوانی برای آنان شده و به موقعیت زیردست‌بودن زنان کمک می‌کند (۱۳).

۵-۲. حق دسترسی و تسلط زنان بر فناوری‌های

تولید مثلی: دوبوار معتقد است، زنان حق دسترسی و تسلط بر فناوری‌های تولید مثل (تولید مثل مصنوعی) را دارند. به عنوان مثال آنان حق دارند انتخاب کنند که کدام جنین یا چه تعداد از آن‌ها در چندقلوایی‌ها نگه داشته یا سقط شوند. حق انتخاب جنسیت و نیز حق تصمیم‌گیری درباره جنین‌های ناقص‌الخلقه و... نیز باید تنها به انتخاب زنان بستگی داشته باشد. در واقع این امور به دلیل حقوق باروری و تولید مثلی زنان بوده و این امر برای رسیدن به آزادی زنان مهم است (۱۶). در واقع از نگاه او بی‌توجهی به حق تصمیم‌گیری زنان و اجبار آنان به حفظ جنین و عدم دسترسی آزاد به سقط جنین، نمادی از مردسالاری و نوعی ستم به زنان است (۱۳).

۶. استدلال: در نهایت استدلال سیمون دوبوار در مورد مسأله جواز آزادی تولید مثل و سقط جنین را می‌توان به شکل منطقی زیر خلاصه کرد:

۱- زنان حق آزادی تولید مثل دارند که این آزادی برگرفته از شرایط فیزیولوژی خاص زن و حقوق ویژه

آنان از شغل یا ادامه تحصیلات را در پی داشته باشد. زنان در دوران بارداری با مشکلات بسیاری در امور خانه‌داری مواجه می‌شوند، آنان قادر نیستند به طور همزمان به مراقبت از کودک و دیگر برنامه‌هایشان نظیر اشتغال و تحصیل بپردازند. به اعتقاد او، برخی از زنان امکانات مالی کافی برای مراقبت از نوزاد را ندارند و تحمیل این قبیل مسؤولیت‌ها بر آنان سبب وخامت اوضاع شخصی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها می‌شود و همه این امور به دلیل جنسیت زنان بر آنان تحمیل شده است.

به همین جهت است که دوبوار تصمیم‌گیری درباره بارداری را از حقوق تولید مثلی زنان و مصداق آزادی تولید مثل دانسته است. در واقع ایشان راه‌هایی از ستم جنسیتی بر زنان و رفع مشکلات و محدودیت‌هایشان را واگذاری انتخاب و تصمیم‌گیری درباره حمل یا سقط جنین، به خود زنان می‌داند (۱۳).

۵. آزادی و مسأله باروری: آزادی در مسأله باروری از دیدگاه سیمون دوبوار، شامل دو مورد آزادی تولید مثل و حقوق باروری و همچنین حق دسترسی و تسلط زنان بر فناوری‌های تولید مثلی است. در ادامه به این دو مورد پرداخته شده است.

۵-۱. آزادی تولید مثل و حقوق باروری: به اعتقاد دوبوار تولید مثل و باروری یک امر شخصی بوده و مربوط به طبیعت زایشی زن است. تنها زنان باردار می‌شوند و مشکلات ناشی از آن را تحمل می‌کنند. بارداری کاری شاق و خطرناک بوده و زایمان سرآغاز مصائب زن و به وجود آمدن وضعیت فلاکت‌بار برای اوست، وضعیتی که او را همانند یک برده زیردست مرد قرار می‌دهد. به اعتقاد او کنترل زاد و ولد نیز به تنهایی نمی‌تواند از بارداری جلوگیری نماید، زیرا هیچ شکلی از کنترل بارداری، مطمئن و ایمن نیست. مؤثرترین وسایل جلوگیری از بارداری، یعنی قرص و دستگاه، سلامت زنان را تهدید

باروری بوده و راهکاری برای رهایی زنان از ستم جنسیتی است.

۲- حق تصمیم‌گیری درباره حمل یا سقط جنین یکی از مصادیق آزادی تولید مثل زنان است.

در نتیجه: تنها زنان حق تصمیم‌گیری و انتخاب درباره حمل یا سقط جنین دارند.

۷. نقد و تحلیل: ۱- حیات انسانی کرامت ذاتی دارد.

جنین به علت دارا بودن استعداد تبدیل شدن به انسان، از همان ابتدای وجود، دارای جایگاهی ارزشمند است که با افزایش سن جنینی، بر ارزش آن افزوده می‌شود تا آنکه با دمیده شدن روح از سوی خداوند، کرامت انسانی می‌یابد.

این ارزشمندی به دلیل صفات انسانی نیست، بلکه به خاطر اعطای آن در مقطع دمیده شدن روح از سوی خداوند است، گرچه حتی سلول تخم نیز، به دلیل بالقوگی تبدیل شدن به انسان، نه تنها نباید از میان برده شود، بلکه باید مراقبت و حفاظت گردد. بدیهی است اگر دخالت‌های غیر طبیعی و موانعی برای رشد جنینی‌اش ایجاد نشود، به تدریج رشد کرده و به انسان تبدیل می‌شود. بنابراین دلیلی وجود ندارد که به بهانه تعدی به حقوق زنان، حقوق و کرامت ذاتی حیات انسانی جنین نادیده گرفته شود. پس همان‌گونه که انسان شأن و منزلت اخلاقی و کرامت ذاتی دارد، جنین نیز از آن برخوردار است. بنابراین هیچ کس حتی مادر او حق ندارد به طور خود خواسته و بدون دلیل موجه عقلی و شرعی به حیات جنین اش خاتمه دهد.

۲- اگر بپذیریم هر حقی مسئولیتی به دنبال دارد، بنابراین حق آزادی سقط جنین و در نظرنگرفتن مصالح زندگی بشری به بهانه آزادی‌های زنان مستلزم نفی وظایف و مسئولیت‌های زن به عنوان مادر نسبت به تداوم نسل بشر است. سقط جنین بیش از یک حق فردی برای انتخاب است. با به رسمیت شناختن سقط جنین بی‌قید و

شرط برای زنان و رهایی آنان از مسئولیت، عملاً جنین از حمایت مادر و نهاد مهمی چون خانواده محروم می‌شود. نکته مهم‌تر اینکه در آن صورت جنین به دارایی شخصی مادر تبدیل می‌شود، به طوری که مادر می‌تواند درباره حیات و مماتش تصمیم‌گیری کند. بنابراین شایسته نیست که مادران به دلیل عدم پذیرش جنین یا جنسیت جنین و یا تعداد آن‌ها، به راحتی حیات انسانی را نادیده گرفته و جنین خود را نابود کنند.

ما، در بسیاری از امور مانند انتخاب پدر و مادر، بستگان و... آزاد نبوده‌ایم. این عدم آزادی در انتخاب، مجوز بی‌مسئولیتی در قبال زندگی و مشکلات آن‌ها نخواهد بود. به عنوان مثال ما دین خاصی نسبت به والدین خود احساس می‌کنیم در عین اینکه هیچ اراده و انتخابی در پذیرفتن نقش فرزندی نداشته‌ایم. بنابراین حتی در بارداری ناخواسته نیز مادر مجاز به سلب مسئولیت از خود نیست. زن حتی اگر قصد بارداری نداشته باشد، در مقابل جنین که موجودی بی‌گناه است و حق حیات دارد، مسئول است.

۳- اگر بپذیریم زن موفق و رها یافته از ستم جنسیتی زنی است که از آزادی کامل در اجتماع خصوصاً در برابر جنس مخالف برخوردار است؛ به تعبیر دیگر اگر ارزش‌های انسانی را درون یک هرم در نظر بگیریم و آزادی خواهی را در رأس این هرم بدانیم و معیار اصلی برای جنس دوم نبودن را آزادی در نظر بگیریم و بگوییم زن آن اندازه انسان است که هیچ جبری را تحمل نکند، محکوم و اسیر هیچ قدرتی نباشد، همه چیز را خودش آزادانه انتخاب کند و به هر اندازه که بتواند آزاد زندگی کند، به همان اندازه از فرودستی نسبت به مردان رهایی می‌یابد. آگاهانه یا ناآگاهانه از سایر فضایل انسانی چشم‌پوشی نموده‌ایم.

درست است که آزادی یکی از بزرگ‌ترین و عالی‌ترین ارزش‌های انسانی است و از دیدگاه بعضی افراد، بشریت و

۵- بارداری ناخواسته لزوماً مساوی زجر و بدبختی برای زنان نیست. تعدادی از زنان علیرغم باردارشدن ناخواسته، نه تنها تمایلی به سقط جنین ندارند، بلکه دوره باروری برای آن‌ها به دوره‌ای شیرین که پر از عشق و محبت نسبت به جنینی که در درون او در حال پرورش است، تبدیل می‌گردد و احساسات نهفته مادری در این دوره ۹ ماهه شکوفا می‌شود که زنان از این شکوفایی لذت بسیار می‌برند. بنابراین بارداری ناخواسته را لزوماً نمی‌توان مترادف با زجر و بدبختی زنان دانست.

۶- سقط جنین لزوماً بستری برای ورود افراد فاقد صلاحیت‌های پزشکی به این عرصه نیست، اما می‌تواند این بستر را فراهم کند. در صورتی که سقط جنین به طور کلی ممنوع باشد و از طرفی اگر در مواردی نیاز به این عمل از سوی پزشک متخصص تشخیص داده شود، در آن صورت زن مجبور به انجام غیر قانونی این عمل توسط غیر متخصص شده و قطعاً خطرات زیادی برای او خواهد داشت.

۷- همانطور که می‌دانیم، سیاست فشار و سرکوب در هیچ مسأله‌ای راهگشا نیست و اگر قرار است مسأله‌ای به بحران تبدیل نشده و حل شود، باید تمام جوانب آن را بررسی کرد. درست است که سقط جنین در حالت کلی امر مذموم و ناپسندی است، اما به عنوان مثال در شرایطی، ممکن است عدم سقط باعث از بین رفتن مادر شود، بنابراین در این مسأله همه جوانب را باید در نظر گرفت.

۸- می‌توان گفت این مسأله که جرم‌دانستن سقط جنین آن را به جنایت طبقاتی تبدیل کرده تا حدودی به واقعیت نزدیک است، چراکه طبقه سرمایه‌دار به علت برخورداری از رفاه و امکانات عالی، در شرایط نیاز به این عمل، می‌تواند آن را در شرایط خوبی انجام دهد، در صورتی که این مسأله برای طبقه متوسط و خصوصاً طبقه

بشر یعنی آزادی و غیر از آن ارزش دیگری را نمی‌بینند و می‌خواهند تمام ارزش‌ها را در این یک ارزش محو کنند، ولی انسانیت دارای ابعاد مختلفی همچون عدالت، اخلاق و... است که عدم توجه به همه جنبه‌ها و ویژگی‌های انسانی خود به نوعی زیر پائنهاده انسانی است و باعث رشد کاریکاتوری انسان می‌گردد.

اگر فرض کنیم یکی از مصادیق آزادی زنان در تولید مثل، داشتن حق انتخاب آن‌ها برای حمل یا سقط جنین است، این طور به نظر می‌رسد که برای دادن حق به یک گروه از افراد (مادر)، حق گروهی دیگر (جنین و پدر) کاملاً نادیده گرفته و زیر پا گذاشته شده است. در واقع توجه به حقوق باروری زنان بدون در نظر گرفتن حق حیات جنین و حقوق پدر که حق مشارکت در رابطه با تصمیم‌گیری درباره سرنوشت کودک خود را دارد، نوعی خودخواهی و خودکامگی و بی‌توجهی به ارزش‌هایی همچون اخلاق و عدالت است.

۴- در اندیشه‌ای که مادرشدن اجباری را مساوی با بدبختی و آوارگی نوزاد تازه متولدشده می‌داند، به نوعی اعتقاد به جبر دیده می‌شود. این تفکر یگانه عامل خوشبختی کودک را مادر می‌دانند، مادری که آگاهانه و با رضایت کامل باردار شده و سایر عوامل محیطی، استعداد و نبوغ فردی، تلاش و کوشش انسانی و... را نادیده می‌گیرد، به گونه‌ای تصویرسازی نموده که اکثریت کودکان حاصل از بارداری ناخواسته زندگی فلاکت‌بار خواهند داشت، در صورتی که ضمن اینکه موارد نقض این مسأله بسیار و فراوان دیده شده، اعتقاد به ربوبیت الهی ما را به این مسأله رهنمون خواهد ساخت که سرنوشت انسان‌ها در دست خود آن‌هاست که با اعمال و رفتارشان ساخته خواهد شد، نه به صرف اینکه از مادری متولد شوند که آگاهانه و با انتخاب باردار شده است.

زنان از ستم جنسیتی می‌داند، اما همانطور که در نقد و تحلیل بیان شد، زنان نمی‌توانند مسئولیت‌ها و پیامدهای اعمالشان در مورد جنین را که دارای کرامت ذاتی انسانی است، نادیده بگیرند. حق سقط جنین به بهانه آزادی زن، مستلزم نفی وظایف و مسئولیت‌های او به عنوان یک مادر است.

بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که بیان شد، سیمون دوبوار معتقد است زنان به دلیل ویژگی‌های جسمی و طبیعی زایش خود، حقوق باروری خاصی دارند که باید به رسمیت شناخته شود. از جمله این حقوق، حق آزادی تولید مثل و سقط جنین است. دوبوار سقط جنین را یکی از مصادیق آزادی تولید مثل و گامی در جهت رهایی زنان از سلطه نظام مردسالارانه می‌داند.

اما در نقد این مطالب گفتیم که حیات جنین کرامت ذاتی دارد. دخالت و تصمیم‌گیری برای زنده‌بودن یا مرگ یک موجود انسانی نباید تابع تمایلات دیگران باشد. همیشه این‌گونه نیست که تمام وظایف ما در مقابل دیگران ناشی از اراده و خواست ما باشد. همان‌گونه که وظایف اخلاقی ما در مقابل پدر، مادر و... به انتخاب ما نبوده، وظایف اخلاقی مادر نسبت به حفظ نسل آینده و حیات جنین وظایفی فراخواسته است. زنان می‌توانند با کنترل بارداری پیش از تشکیل جنین و مراقبت بارداری پس از تشکیل آن از نابودی آن در مراحل بعدی جلوگیری کنند یا آن را به زوجین ناباروری که در آرزوی فرزندآوری هستند، اهدا کنند. زنان نباید فقط به دنبال حقوق و منافع خود در جامعه باشند و به مسئولیت‌ها و پیامدهای اعمالشان در مورد جنین خود بی‌توجهی کنند. قائل‌شدن به حق سقط جنین مطلق برای زنان، برابر با کم‌اهمیت‌انگاشتن وظایف مادرانه‌شان می‌باشد.

ضعیف جامعه که از امکانات و رفاه طبقه سرمایه‌دار برخوردار نیستند، میسر نمی‌باشد. با این اوصاف به نظر می‌رسد سقط جنین فقط برای طبقه متوسط و ضعیف جامعه جرم است!!!

۹- اینکه قانون سقط جنین قانونی مردانه است، جای تأمل دارد و به نظر می‌رسد این‌گونه است. به طور مثال مردان در حالت کلی، خصوصاً برای همسر رسمی خود، اکثراً مخالف این مسأله می‌باشند (مگر در موارد خاص)، در صورتی که اگر با زنان دیگر همبستر شوند و از آن همبستری صاحب فرزند شوند، برای حفظ زندگی اصلی خود یا برای حفظ آبرو و دلایلی از این قبیل، آن را به عنوان یک راهکار فردی می‌پذیرند.

روش

ابزار گردآوری اطلاعات با توجه به نوع تحقیق، ابزار کتابخانه‌ای بوده است و بر اساس آن با مراجعه به منابع و ماخذ علمی شامل کتاب، مجله‌ها و نشریات ادواری موجود در کتابخانه‌ها، اسناد و نشریات حقوقی و... همچنین پایگاه‌های اینترنتی حاوی تحقیقات و مقالات علمی معتبر اطلاعات مورد نیاز تحقیق گردآوری شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار فیش و تکنیک فیشبرداری استفاده شده است. بعد از جمع‌آوری اطلاعات از طریق فیشبرداری، فیش‌ها با توجه به عنوان و موضوع جزئی پژوهش طبقه‌بندی شده و اطلاعات و مطالب در بخش‌های مختلف آورده شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است.

یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که دوبوار حق انتخاب و تصمیم‌گیری در مورد حمل یا سقط جنین را از آن زن می‌داند، همچنین ایشان این مسأله را راهی برای رهایی

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

به نظر می‌رسد در صورت عدم تمایل به فرزندآوری، بهترین راه حل ابتدا تأکید و ترویج راه‌های کنترل جمعیت و پیشگیری از بارداری می‌باشد تا زنان ناخواسته وارد مرحله بارداری نشوند. همچنین در مسأله سقط بهتر است قائل به تفکیک در مراحل مختلف زیست جنین بوده و به صورت یکپارچه به این مسأله ننگریست. بدین شرح که تا قبل از دمیدن روح در جنین در صورت اطلاع از بیماری لاعلاج جنین و یا در صورتی که بارداری ناخواسته بوده و در صورت توافق پدر و مادر بر سقط، با رعایت ملاحظات مختلف این موضوع مورد بررسی قرار گرفته و به صورت کلی حکم بر عدم جواز سقط صادر نگردد.

اما در مواردی که جنین از مرحله نباتی وارد مرحله حیات انسانی می‌شود و همچنان پدر و مادر به دلایل گوناگون، از جمله فقر، عدم صلاحیت خود و... اصرار بر سقط جنین دارند، لازم است تا نهادهای حاکمیتی و دولت‌ها با ایجاد نهادهای حمایتی از جنین، در صورت خوداظهاری والدین، تضمین‌های لازم را به آن‌ها ارائه نمایند که پس از تولد مسئولیت و حضانت کودک را بر عهده خواهند گرفت که این امر با ایجاد اطمینان خاطر در والدین انگیزه‌های آنان برای سقط جنین را کم خواهد نمود.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

References

1. Mohammad Shahi H, Mansour Nejad M. The issue of women, Islam and feminism (in defense of women's rights). 1st ed. Tehran: Olive Leaf; 2002. [Persian]
2. Beasley CH. What is feminism: an introduction to feminist theory. Translated by Zomordi MR. 2nd ed. Tehran: Roshangan Publications and Women's Studies; 2017. [Persian]
3. Safot Safai SH, Qudsi F. Examining maternal instinct based on the theories of Simon de Boir. Women and Culture Scientific-Research Quarterly. 2016; 9(34): 95-110. [Persian]
4. Cunningham G, Leveno K, Bloom S, Gilstrap L, Westrom K, Hauth J. Williams Obstetrics. 22th ed. Texas: McGraw Hill Professional; 2005.
5. Kupfeman S. Pregnancy termination in current care of women. Lange Medical books. New York, N.Y: McGrawHill; 2004.
6. Madkoo MS. Al-Ansal's arrangement of views and views of the Islamic Shari'a. Journal of Law and Economics. 2013; 53(4): 973-996.
7. Borhani M, Rahbarpour M. Ways of criminalization in biological ethics. Private Law Studies Quarterly. 2012; 41(4): 41-59. [Persian]
8. Bagdeli A, Ali Akbari Babukani E. Jurisprudence and legal review of the government's entry into privacy. Islamic Human Rights Studies. 2016; 6(13): 9-31. [Persian]
9. Jafari Tabrizi MT. Universal human rights from the perspective of Islam and the West. Tehran: Publications of the International Law Service Office of the Islamic Republic of Iran; 1991. [Persian]
10. Kant I. Groundwork of the Metaphysics of Morals. Translated by Ellington J. 3rd ed. Cambridge: Hackle Publishing Company; 1993.
11. Hashemi M. The fundamental rights of the Islamic Republic of Iran. 6th ed. Tehran: Mizan Publications; 2014. Vol.1. [Persian]
12. Leggitt M. Women in their time: A history of feminism in the West. Translated by Mahdian N. Edited by Najm Iraqi M. 3rd ed. Tehran: Ney Publications; 2014. [Persian]
13. De Beauvoir S. The second gender. Translated by Sanavi GH. Tehran: Tos Publications; 2016. [Persian]
14. Markowits S. A Feminist Defense of Abortion, Social Theory and Practice. Wadsworth Publishing Company. 1990; 16(1): 1-7.
15. Hewlett S, West C. War against parents. Translated by Mohammadi M. 2nd ed. Qom: Education Publications; 2018. [Persian]
16. Callahan SC. Abortion and the sexual agenda: A case for prolife feminism. New York, N.Y: Prometheus Books; 1986.
17. Safot Safai SH, Qodsi F. A comparative study of mother and motherhood in the thoughts of Simone de Beauvais and Islamic mysticism. Irfan Islamic (Religions and Irfan) Magazine. 2017; 16(62): 261-239. [Persian]